



Jurisprudential foundations of addiction rulings and its impact on the economy with a preventive approach

Mehri Kakuee¹, Akbar Ahmadi^{2*}, Hassan Asadi³

1 .PhD student in the field of jurisprudence and fundamentals of law, Varamin-Pishva branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

2 .Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran: (author in charge).

3. Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 223-236

Article history:

Received: 9 Sep 2022

Edition: 25 Sep 2022

Accepted: 1 Feb 2023

Published online: 9 April 2023

Keywords:

Addiction, rulings, prevention, jurisprudential foundations, economy.

Corresponding Author:

Akbar Ahmadi

Address:

Iran, Varamin, Varamin Branch, Pishva, Islamic Azad University, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0000-0003-2194-0088

Tel:

09124118418

Email:

Akbar9000@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Addiction and abuse of drugs is one of the most important social harms in our country, which is very worrying due to its increasing scope, depth of influence and bad consequences, and as the most important harms and social problems of the country. In this research, the jurisprudential foundations of addiction have been investigated with the aim of reducing the cost of the family and society.

Materials and methods: The current article is descriptive and analytical and library method was used to collect data.

Ethical considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: It indicates that most of the Islamic jurists have declared the use of drugs as haram if it brings harm and they believe that it destroys the human intellect and with this ruling, it can to some extent solve social issues and problems such as Addiction should be effective to prevent people's tendency towards drugs through religious beliefs and making spirituality stronger.

Conclusion: In jurists, they believe that prevention is always better than treatment because the treatment of problems requires a lot of social and family costs and as a disease it paralyzes the society. Although Islamic jurists' views on preventing drug addiction are not the same, the majority of jurists believe in the sanctity of drug use. And this fatwa has an effect on reducing the cost of the family and society.

Cite this article as:

Kakuee M, Ahmadi A, Asadi H. Jurisprudential foundations of addiction rulings and its impact on the 2023–economy with a preventive approach. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

مبانی فقهی احکام اعتیاد و تأثیر آن بر اقتصاد با رویکرد پیش‌گیرانه

مهری کاکویی^۱، اکبر احمدی^{۲*}، حسن اسدی^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر یکی از آسیب‌های اجتماعی مهم در کشور ما است که به دلیل گستره فزاینده، عمق تأثیر و پیامدهای سوء آن بسیار نگران‌کننده است و از مهم‌ترین آسیب‌ها و معضلات اجتماعی کشور محسوب می‌شود. این پژوهش به بررسی مبانی فقهی اعتیاد با هدف کاهش هزینه خانوار و جامعه صورت گرفته است.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش در مقاله حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است. **یافته‌ها:** اغلب فقهای اسلامی مصرف مواد مخدر را چنانچه مضراتی به همراه داشته باشد حرام اعلام کرده‌اند و معتقدند که عقل انسان را زایل می‌کند و این حکم تا حدودی می‌تواند بر مسائل و معضلات اجتماعی همچون اعتیاد اثر بگذارد و از طریق اعتقادات مذهبی و تقویت معنویات از گرایش افراد به سمت مواد مخدر پیش‌گیری کند.

نتیجه‌گیری: همه ما در زندگی بارها و بارها این جمله را شنیده‌ایم که پیش‌گیری بهتر از درمان است. زیرا درمان هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی زیادی را می‌طلبد و در قالب یک بیماری جامعه را فلج می‌کند. دیدگاه فقهای اسلامی در پیش‌گیری از اعتیاد به مواد مخدر اگرچه به یک نسبت نیست؛ اما عموم فقها قائل به حرمت استعمال مواد مخدر هستند و همین فتوا در کاهش هزینه خانواده و جامعه تأثیر دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۳-۲۳۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

واژگان کلیدی:

اعتیاد، احکام، پیش‌گیری، مبانی

فقهی، اقتصاد.

نویسنده مسئول:

اکبر احمدی

آدرس پستی:

ایران، ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد ورامین-پیشوا، گروه فقه و

مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۲۴۱۱۸۴۱۸

کد ارکید:

0000-0003-2194-0088

پست الکترونیک:

Akbar9000@gmail.com

۱. مقدمه

برفی (۱۳۸۲) با عنوان «جامعه‌شناسی ابعاد فقهی، اجتماعی اعتیاد» موضوع را از دو بعد اجتماعی و فقهی مورد بررسی قرار داده است. در بعد اجتماعی به بررسی دیدگاه‌های موجود دربارهٔ زمینه‌های اعتیاد و در بعد فقهی نیز آرای فقهی فقهای اهل تسنن و تشیع پیرامون سه مادهٔ افیون، حشیش و تنباکو و زمینه‌های اثرگذاری و اثرپذیری آن را را تبیین کرده است. در این پژوهش به این سؤال پاسخ گفته شده است که آرای فقهی چه تأثیری در حل مسائل اجتماعی دارند و مسائل اجتماعی نیز چه تأثیری بر آرای فقهی دارند. در نهایت، جسارت آزاداندیشی را در قلم و فقاقت به‌عنوان یک ضرورت مطرح می‌کند. حاجی ده‌آبادی و صادقی در «بررسی فقهی مبانی و مصادیق رویکرد کاهش آسیب‌های اجتماعی جرم با تأکید بر اعتیاد به مواد مخدر» بیان می‌کند که کم کردن آسیب جرم، رویکردی است که در سدهٔ اخیر در غرب مطرح شده است. بر اساس این رویکرد، در برخی موارد با پذیرش جرم و قلمداد کردن مجرم به‌عنوان بیمار و یا عضو آسیب‌پذیر جامعه، در کاهش جرم از سوی نهادها و مراکز مربوطه تلاش می‌شود. کم کردن آسیب‌های اعتیاد، مصرف مشروبات الکلی و روسپی‌گری از عمده مصادیق این رویکرد به‌شمار می‌آید. سلمان‌پور در مطالعه‌ای با عنوان «مبانی فقهی، حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر و جرایم مربوط به آن»، بیان می‌کند که مواد مخدر در نیم‌قرن اخیر، به‌دلیل تنوع، گستردگی اعتیاد و آثار سوء و زیان‌آور اجتماعی، خصوصیات پدیدار شده است که می‌توان آن را یکی از موضوعات مستحدثه به‌حساب آورد و فروع فقهی بسیاری در باب حدود، تعزیرات، مکاسب محرمة، اطعمه و اشربه برای آن فرض کرد و برای

بررسی حکم فقهی اعتیاد به مواد مخدر یکی از مباحث ضروری جامعهٔ ما در عصر حاضر است که کار فقهی گسترده‌ای را می‌طلبد. به‌ویژه که امروزه این مواد جوامع انسانی را به‌شدت آلوده کرده است و حیات شایستهٔ انسانی را از جنبه‌های مختلف مورد تهدید جدی قرار داده است. آثار زیان‌بار و مخرب مواد مخدر را در همهٔ کشورهای جهان به آسانی می‌توان مشاهده کرد. نیز هزینه‌های هنگفتی که به جامعه تحمیل می‌کند برای همهٔ دولت‌ها و افراد جامعه روشن است. انسان در ابتدای پیدایش این مواد با آثار ویرانگر آن‌ها آشنا نبود؛ ولی امروزه پی برده است که چگونه این مواد به تهدیدی سهمگین و خطرناک علیه زندگی انسان تبدیل شده‌اند و همهٔ فضایل اخلاقی و ابعاد مختلف زندگی او از جمله امور اقتصادی را نشانه گرفته‌اند. بنابراین انجام تحقیقی با بررسی دیدگاه فقها و تأثیر آن احکام بر کاهش هزینهٔ مالی خانواده و جامعه با توجه به حساسیت نظام جمهوری اسلامی به مواد مخدر و پیچیدگی مسائل مربوط به آن، دربارهٔ مواد مخدر و جرائم آن، امری ضروری می‌نماید. دیدگاه‌های موجود دربارهٔ تولید، توزیع و مصرف مواد اعتیادآور اعم از زراعت و فرایند عمل‌آوری مواد مخدر، نگهداری، حمل‌ونقل، توزیع و فروش، مصرف و استعمال، ایجاد مراکز و مکان استعمال و ارائهٔ خدمات و ابزار برای سهولت تولید، توزیع و مصرف، درآمد و سرمایه‌های حاصله از هر یک از مراحل تولید تا مصرف، کسب خبر و ارائهٔ اطلاعات، مبارزه، درمان و ترک. آرای فقهی فقهای اهل تسنن و تشیع دربارهٔ مواد مخدر و روانگردان و زمینه‌های اثرگذاری و اثرپذیری آن در این‌باره تبیین شده است. دربارهٔ پیشینهٔ تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مقاله

حلی، علامه حلی، شهیدثانی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، تریاک یا افیون را در صورتی حرام می‌دانند که ضرر معتد به داشته باشد. این امر بیانگر آن است که این فقها به ضرر قطعی آن یقین نداشته‌اند. علامه حلی در القواعد این چنین بیان می‌کند: چیزی که کشنده نباشد، بسیار خوردن آن حرام است، مثل تریاک. اگر زهرهای کشنده از این نوع باشند که مصرف اندک آن مانند تریاک و سقمونیا فایده داشته باشد بیع آن جایز است. سپس ایشان در همان کتاب در باب متاجر می‌گوید: بیع تریاک حرام است، به‌خاطر مشتمل بودن آن بر خمر و لحم الافاعی و کشیدن آن به‌صورت مداوم جایز نیست؛ مگر اینکه خوف تلف شدن باشد. سید ابوالحسن اصفهانی در وسیله النجاه می‌نویسد: «چیزی که مصرف یک یا دو مرتبه آن زیان‌آور نباشد؛ اما مصرف زیاد و اعتیاد به آن مضر باشد مصرف مکرر آن مانند تریاک، حرام است که باید از آن برحذر شد» (روح‌اللهی، ۱۳۸۵).

برخی از فقهای اهل سنت و برخی از فقهای شیعه اخباری، دخانیات را مسکر می‌دانند. از آنجاکه طبق فتوای اغلب فقها هر مسکری نجس است؛ حرمت بیع دخانیات می‌تواند از باب حرمت اعیان نجس باشد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۰، ش ۹). اخباری‌ها معتقدند که مصرف دخانیات، حرام است؛ زیرا آن‌ها در شبهات تحریمیّه (موارد شک در حرمت) قائل به احتیاط هستند. «ولی اصولیون مباح می‌دانند؛ زیرا در این گونه موارد، اصل برائت جاری می‌کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷). در فقه امامیه، شبهه گاهی مربوط به حکم است و گاهی مربوط به موضوع. بر همین اساس، شبهات به دو قسم کلی حکمیه و موضوعیه تقسیم می‌شوند. منظور از شبهه حکمیه آن است که حکم کلی چیزی مورد تردید باشد. جهل به حکم کلی یا

استنباط حکم شرعی آن‌ها اجتهاد کرد. در پژوهش حاضر، از مبانی فقهی حرمت اعتیاد و تأثیرگذاری این حکم در کاهش هزینه خانوار و جامعه بحث می‌کنیم و در واقع در صدد پاسخ به این سوال هستیم که دیدگاه فقها درباره اعتیاد چه تأثیری بر اقتصاد جامعه دارد؟ فرضیه پژوهش این است که حرام بودن مواد مخدر تأثیر معناداری در کاهش هزینه‌های اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی دارد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

اغلب فقهای اسلامی مصرف مواد مخدر را در صورتی که مضراتی به‌همراه داشته باشد حرام اعلام کرده‌اند و معتقدند که عقل انسان را زایل می‌کند. با این حکم تا حدودی توانسته‌اند بر مسائل و معضلات اجتماعی همچون اعتیاد تأثیر بگذارند و از طریق اعتقادات مذهبی و قوی‌تر کردن معنویات از گرایش افراد به سمت مواد مخدر پیش‌گیری کنند.

۵. بحث. مبانی فقهی حرمت اعتیاد

«فقهای مذاهب اسلامی به‌طور یکسان به موضوع مواد مخدر نپرداخته‌اند. در فقه شیعه فقهایی چون محقق

حق قانونگذاری به میل و تشخیص خود دارد؛ زیرا شارع مقدس تنها خداست، هرچند گاه به پیامبر اسلام در موارد محدودی، اجازه تشریح داده شده و خداوند آن را معتبر شمرده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۲۱۶).

در زمان شارع، تریاک و اعتیاد به آن وجود نداشته است و ما در ادله نقلیه دلیل خاصی درباره تریاک نداریم؛ اما به دلایل حسی و تجربی زیانها و مفساد اعتیاد به تریاک محرز شده است، پس ما در اینجا با عقل و علم خود به یک «ملاک» یعنی یک مفسده لازم‌الاحتراز در زمینه تریاک دست یافته‌ایم. ما به حکم اینکه می‌دانیم چیزی که برای بشر مضر باشد و مفسده داشته باشد از نظر شرعی حرام است حکم می‌کنیم که اعتیاد به تریاک حرام است. اگر ثابت شود که سیگار سرطان‌زا است یک مجتهد به حکم عقل حکم می‌کند که سیگار شرعاً حرام است. متکلمان و اصولیون تلازم عقل و شرع را «قاعده ملازمه» می‌نامند و چنین می‌گویند: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع یعنی هرچه عقل حکم کند شرع هم طبق آن حکم می‌کند» (مطهری، ۱۳۸۴).

«جای شک و تردید نیست که تعلیمات اسلام بر اساس حفظ و رشد و سلامت جسم است. علت حرمت بسیاری از امور، مضر بودن آنها به حال بدن است. یکی از مسلمات فقه این است که بسیاری از امور به این دلیل تحریم شده‌اند که برای جسم انسان ضرر دارند و یک اصل کلی برای فقها مطرح است که هر چیزی که محرز بشود که برای جسم انسان مضر است - و لو هیچ دلیلی از قرآن و سنت نداشته باشد - قطعاً حرام است. البته این را هم می‌گویند که زیانها بعضی معتدبه هستند و بعضی غیر معتدبه. یعنی زیان آنقدر کم است که قابل اعتنا نیست. اسلام در

ناشی از فقدان نص معتبر است یا اجمال نص و یا تعارض نصوص. مثلاً به دلیل فقدان نص معتبر در ممنوعیت عملی -مانند استعمال دخانیات- تردید می‌شود. «در این مورد شبهه حکمیه است؛ یعنی در حقیقت نمی‌دانیم که آیا حکم این عمل نزد شارع حرمت است یا جواز و اباحه. لذا در مواردی حاکم، در جرم بودن عمل ارتكابی متهم، تردید می‌کند. مقصود از شبهه موضوعیه آن است که شخص حرمت و ممنوعیت عمل را می‌داند، ولی جهل به موضوع حکم دارد؛ مثلاً، می‌داند که شرب خمر در اسلام حرام است ولی نمی‌داند که مایع حاضر از مصادیق خمر است یا آب. در اینجا در حقیقت، به علت اشتباه خارجی، تردید حاصل شده است؛ ولی نه در اصل حکم، بلکه در حکم جزئی فرد خاص حاضر» (یزدی، ۱۴۰۶).

احکام حکومتی، مقررات خاصی است که حاکم اسلامی برای اجرای احکام اولی یا ثانوی وضع می‌کند؛ مانند مقررات مربوط به گذرنامه و رانندگی و تشکیلات ارتش و مانند آن که همگی برای برقراری نظم جامعه که وجوب آن از احکام اولیه اسلام است توسط حکومت و زیر نظر حاکم اسلامی وضع می‌شود. احکام حکومتی ممکن است در راستای اجرای احکام اولیه باشند و یا در راستای اجرای احکام ثانویه. برای مثال، استفاده از مواد مخدر و همچنین به عقیده بعضی تمام انواع دخانیات به حکم قاعده لاضرر حرام است. حکومت اسلامی برای اجرای این حکم، احکام مختلفی در زمینه مجازات قاچاق‌چیان و چگونگی برخورد با آنها و نیز معتادان صادر می‌کند. «این احکام که مقدمه‌ای برای اجرای حکم ثانوی حرمت مواد مخدر یا دخانیات است، حکم حکومتی محسوب می‌شود. بنابراین هرگز نباید تصور کرد که احکام حکومتی، هم‌ردیف احکام اولی و ثانوی است و حکومت اسلامی،

که تمام این‌ها به مالک ضرر است و اگر دلیل خاصی هم داشته باشد ناظر به همین عنوان کلی عقلی است که شرع هم بر طبق آن حکم فرموده؛ لذا در باب تزاحم ضررین و مخالفت ظن با واقع بر طبق همین مالک فتوی داده‌اند به طوری که بر فقیه متتبع جای شبهه و تردید باقی نمی‌ماند که مالک را ضرر تشخیص داده‌اند. اگرچه جمعی از اصولیون در باب حجیت مطلق ظن انکار این اصل عقلی را کرده‌اند» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸).

با وجود این، محال است یک حکم حکیمانه بی ارتباط با واقعیت‌های موجود در زندگی بشر باشد؛ در غیر این صورت، حکم و قانون نیست؛ بلکه گزافه‌گویی و خرافه و قلدری است و چون واقعیت یکی بیش نیست طبیعتاً راه مستقیم و محکم و قانون صحیح هم بیش از یکی نمی‌تواند باشد و این مسئله سبب می‌شود که ما تمام تلاش و کوشش خود را برای پیدا کردن واقعیت‌ها و احکام و قوانین نشئت‌گرفته از آن به کار گیریم. در اینجا مثال‌های روشنی داریم که این مطلب را کاملاً باز می‌کند: هنگامی که اسلام می‌گوید: شراب نخورید و یا قوانین بین‌المللی می‌گوید: مواد مخدر ممنوع است، این‌ها فرمان‌های الهی یا مردمی است که بی‌شک از یک سلسله هست‌ها سرچشمه گرفته است؛ زیرا واقعیت عینی چنین است که شراب و مواد مخدر تأثیر بسیار مخربی در روح و جسم انسان دارد به گونه‌ای که هیچ بخشی از آن، از شر این مواد ویرانگر در امان نیست. این واقعیت، سبب آن باید یا نباید می‌شود».

البته برخی از فقها که بحث حرمت اسراف را مطرح کرده‌اند تصریح کرده‌اند که صرف مال در مواد مخدر از صغریات قاعده حرمت اسراف است؛ اما اعتیاد به الکل و شراب را مورد اشاره قرار داده است و هزینه کردن در آن‌ها را مصداق اسراف دانسته‌اند. بر این

تکالیف خود حرج ایجاد نمی‌کند؛ یعنی این مقادارها را از نظر اسلام تحریم نمی‌کنند، به صورت مکروه ذکر می‌شود یا می‌گویند ترکش مستحب است. ولی اگر یک چیزی زیانش قطعی باشد و مسلم بشود که زیان دارد، از نظر اسلام قطعاً حرام است. و اگر فقها در بعضی مسائل فتوا نداده باشند، از این لحاظ است که به جنبه مطلب واقف نیستند، یعنی مطلب برایشان روشن نیست که آیا واقعاً ضرر دارد یا ندارد».

پس معلوم می‌شود هر چیزی که مضر است، خداوند از آن نهی کرده است و نهی هم ظهور در حرمت دارد و بحث ما نیز در این است که اضرار به نفس حرام است. هر عملی که سبب اضرار به نفس باشد حرام می‌شود. موضوعات متعددی درباره مواد مخدر پدید آمده است که هر کدام در فقه قابل مطالعه و بررسی است و باید به طور جداگانه مبانی فقهی احکام آن‌ها را تبیین کرد. مطالعات تطبیقی، در میراث علمی و فرهنگی ما مسلمانان از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۵-۲. دیدگاه فقها درباره پیش‌گیری

درباره پیش‌گیری از اعتیاد فقهای امامیه به‌طور مسلم اضرار به نفس را حرام می‌دانند ولی در عمل می‌بینیم عامه مسلمانان بلکه عدول مرتکب می‌شوند؛ بعضی امور مضره از قبیل الکل و شرب و استعمال دخانیات و امثال این‌ها. وقتی با اهل علم آن‌ها نیز صحبت می‌شود می‌گویند قدر متیقن از ادله ضرر القای نفس در هلاکت است و این ضررهای جزئی را شامل نمی‌شود؛ در صورتی که در باب تبدیل وضو و غسل به تیمم تصریح می‌کند به شدت مرض و بطو علاج و جزئی و کلی و همچنین در «باب روزه و سایر موارد ضرر با آن

و هر جا که عقل یک مفسده ملزمی را کشف کند، ما می‌فهمیم که شرع هم در اینجا هماهنگ است و لو اساساً در قرآن و حدیث و کلمات علما یک کلمه در این زمینه نیامده باشد».

«در فقه امامیه، شبهه گاهی مربوط به حکم است و گاهی مربوط به موضوع. بر همین اساس، شبهات به دو قسم کلی حکمیه و موضوعیه تقسیم می‌شوند. منظور از شبهه حکمیه آن است که حکم کلی چیزی مورد تردید باشد. جهل به حکم کلی یا ناشی از فقدان نص معتبر است یا اجمال نص و یا تعارض نصوص. مثلاً، به علت فقدان نص معتبر در ممنوعیت عملی مانند استعمال دخانیات تردید می‌شود. در این مورد شبهه حکمیه است. یعنی در حقیقت نمی‌دانیم که آیا حکم این عمل نزد شارع حرمت است یا جواز و اباحه. لذا در مواردی حاکم، در جرم بودن عمل ارتكابی متهم، تردید می‌کند. مقصود از شبهه می‌توان بیان کرد در زمان شارع، تریاک و اعتیاد به آن وجود نداشته است و ما در ادله نقلیه دلیل خاصی درباره تریاک نداریم؛ اما به دلایل حسی و تجربی زیان‌ها و مفساد اعتیاد به تریاک محرز شده است، پس ما در اینجا با عقل و علم خود به یک «مالک» یعنی یک مفسده لازم‌الاحتراز در زمینه تریاک دست یافته‌ایم. ما به حکم این که می‌دانیم چیزی که برای بشر مضر باشد و مفسده داشته باشد از نظر شرعی حرام است حکم می‌کنیم که اعتیاد به تریاک حرام است. «اگر ثابت شود که سیگار سرطان‌زاست یک مجتهد به حکم عقل حکم می‌کند که سیگار شرعاً حرام است. متکلمین و اصولیون تلازم عقل و شرع را «قاعده ملازمه» می‌نامند و می‌گویند: کل ما حکم به العقل حکم به الشرع یعنی هرچه عقل حکم کند شرع هم طبق آن حکم می‌کند». جای شک و تردید نیست که تعلیمات اسلام بر

اساس می‌توان «با تنقیح مناظ و بسا با قیاس اولویت هزینه نمودن معتاد برای استعمال مخدر را از نظر آن فقها مصداق اسراف دانست؛ زیرا کسانی که صرف مال برای شراب را مصداق اسراف دانسته‌اند به این جهت بوده که اولاً، منجر به ضرر می‌شود و ثانیاً، مصرف در معصیت خداست و این دو جهت اگر نگوییم به طریق اولی در صرف مال در استعمال مواد مخدر وجود دارد، عیناً یافت می‌شود؛ زیرا استعمال مواد مخدر هم منجر به ضرر می‌شود و هم با توجه به حرمت آن صرف مال در معصیت خداوند است».

از دیدگاه مطهری، ما در اسلام دستوری برای استعمال دخانیات نداریم، نه دستور مثبت و نه دستور منفی. نه به ما گفته‌اند استعمال دخانیات حلال است و نه گفته‌اند حرام است. اصلاً آن وقت دخانیاتی نبوده. در اینجا اگر عقل و علم برای استعمال دخانیات ضررهای مهمی کشف کردند مثلاً اگر کشف شود و علم ثابت کند که استعمال دخانیات واقعاً ضرر و زیان دارد، اساساً عمر آدم را کم می‌کند، یک ضایعه ایجاد می‌کند؛ چون می‌دانیم ضایعه ایجاد کردن را دیگر اسلام اجازه نمی‌دهد. «مثلاً در ریه واقعاً ضایعه ایجاد می‌کند، تا چه رسد به اینکه ثابت بشود که مثلاً منشأ سرطان هم هست. اگر این مفسده در اینجا کشف شود، مجتهد به حکم آشنایی‌ای که با سیستم قانون‌گذاری اسلام دارد و می‌داند هر جا که یک ضرر مهم، یک ضرر قابل توجه برای جسم وجود داشته باشد اسلام آن را اجازه نمی‌دهد، به حکم عقل فتوا می‌دهد: حرام است. اینجاست که می‌گویند: «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» این کلام فقهاست. فقها آنجا که گفته‌اند: «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» چنین مواردی را گفته‌اند؛ یعنی هر جا که عقل یک مصلحت ملزمی را کشف کند، ما می‌دانیم که شرع هم حکم هماهنگ با آن دارد

اللَّهُ الْخَمْرَ وَالْمَيْتَةَ وَالِدَمَّ وَلَحْمَ الْخَنِزِيرِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ وَأَحَلَّ لَهُمْ مَا سِوَاهُ مِنْ رَغْبَةٍ مِنْهُ فِيمَا (حَرَّمَ عَلَيْهِمْ) وَلَا زُهْدٍ فِيمَا (أَحَلَّ لَهُمْ) وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ (فَعَلِمَ) مَا تَقَوْمٌ بِهِ أَبْدَانُهُمْ وَمَا يُصَلِحُهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَأَبَاحَهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ عَلَيْهِمْ بِهِ لِمَصْلَحَتِهِمْ وَعَلِمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَنَهَاهُمْ عَنْهُ وَ حَرَمَهُ عَلَيْهِمْ» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۱-۲۲).

از دیدگاه آیت‌الله سبحانی، محل شاهد در این روایت، این جمله است: «وَعَلِمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَنَهَاهُمْ عَنْهُ». پس معلوم می‌شود هر چیزی که مضر است، خداوند از آن نهی کرده و نهی هم ظهور در حرمت دارد و بحث ما نیز در این است که ضرر به نفس حرام است. هر عملی که سبب اضرار به نفس باشد حرام می‌شود. از این تعلیل کلیت را استفاده می‌کنیم، معلوم می‌شود که: «کلّ مضر بالبدن فهو منهي و المنهي حرام».

قرآن مجید در آیه ۱۹۵ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» طبق آمارهایی که از سوی پزشکان متخصص اعلام شده است، مرگ‌ومیر ناشی از دود سیگار در سال به پنج میلیون نفر می‌رسد! و آمار بیماری‌های خطرناک قلبی و تنفسی و سرطان ناشی از دود سیگار نیز بسیار بالاست. بنابراین، کشیدن سیگار مصداق اِلْقَايِ نَفْسٍ فِي تَهْلُكَةٍ است. اخیراً با شهادت و گواهی جمعی از پزشکان آگاه و استادان متعهد دانشگاه، و با توجه به آمارهای تکان‌دهنده‌ای که از مرگ‌ومیر ناشی از سیگار، و بیماری‌های خطرناکی که از آن نشأت می‌گیرد، ثابت و مسلم است که خطرات مهم دود سیگار یک واقعیت است، که حتی فرزندان افراد سیگاری و معاشران آن‌ها از آن در امان نیستند.

اساس حفظ و رشد و سلامت جسم است. دلیل حرمت بسیاری از امور، مضر بودن آن‌ها به حال بدن است. یکی از مسلمات فقه این است که بسیاری از امور به این دلیل تحریم شده‌اند که برای جسم انسان ضرر دارند. یک اصل کلی برای فقها مطرح است که هر چیزی محرز بشود که برای جسم انسان مضر است -و لو هیچ دلیلی از قرآن و سنت نداشته باشد- قطعاً حرام است. «البته این را هم می‌گویند که زیان‌ها بعضی معتدبه هستند و بعضی غیر معتدبه. یعنی زیان آنقدر کم است که قابل اعتنا نیست. اسلام در تکالیف خود حَرَجَ ایجاد نمی‌کند؛ یعنی این مقدارها را از نظر اسلام تحریم نمی‌کنند، به صورت مکروه ذکر می‌شود یا می‌گویند ترکش مستحب است. ولی اگر یک چیزی زیانش قطعی باشد و مسلم بشود که زیان دارد، از نظر اسلام قطعاً حرام است. و اگر فقها در بعضی مسائل فتوا نداده باشند، از این لحاظ است که به جنبه‌مطلب واقف نیستند، یعنی مطلب برایشان روشن نیست که آیا واقعاً ضرر دارد یا ندارد».

از دیدگاه امام خمینی کشیدن سیگار و انواع دخانیات اگر به تصدیق اهل اطلاع ضرر مهمی داشته باشد حرام است، ولی مواد مخدر مطلقاً حرام است. استعمال مواد مخدر و استفاده از آن‌ها با توجه به آثار سوءشان از قبیل ضررهای شخصی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای که بر استعمال آن‌ها مترتب می‌شود، حرام است و به همین دلیل کسب درآمد با آن‌ها از طریق حمل‌ونقل و نگه‌داری و خرید و فروش و غیر آن هم حرام است. توصیه امام خمینی در خصوص مواد مخدر این است که: «مواد مخدر یک توطئه است که قدرت‌های بزرگ به وسیله آن به ما ضربه می‌زنند».

«مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل می‌کند: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) (أَخْبَرَنِي جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ لِمَ حَرَّمَ

جوان در فسادهای گوناگون و اعتیاد به مواد مخدر و سکرآور یک سیاست پیاده شده استعمار و استکبار است.»

آیت‌الله مکارم شیرازی استفاده از مواد مخدر را برای هیچ‌کس جایز نشمرده است؛ مگر اینکه اگر کسی بخواهد آن را ترک کند جانش به خطر بیفتد. ایشان توصیه کرده‌اند که مهم‌ترین راه مبارزه با مواد مخدر مبارزه فرهنگی است. یعنی اگر ابعاد و آثارش از طریق مختلف نشان داده شود و جامعه آگاهی پیدا کند، بسیاری افراد از مواد مخدر فاصله می‌گیرند. اگر از طرق مختلف، آموزش داده شود و سطح فرهنگ مخصوصاً نسل جوان بالا برود و درباره مواد مخدر بدانند بلائی است که وقتی انسان گرفتارش بشود نجات از آن بسیار مشکل است.

آیت‌الله بهجت درباره مواد مخدر بیان چنین بیان می‌کنند: «شکی نیست که مصرف مواد مخدر حرام است، مضر و مرض‌آور است، نمی‌شود بگوییم که حرام نیست، تریاک‌کشی هم همین‌طور است؛ چه ضرری که هم در مال و هم در بدن و در همه چیز است. این را همه می‌دانند که اضرار حرام است. شما می‌توانید از همه علمای ما و اعلایین هستند سوال کنید. این اشتباه محض است که بعضی فکر می‌کنند این‌ها (مصرف مواد مخدر) لذاذ است» (فلاحتی، ۱۳۹۷، ۴۰).

آیت‌الله فاضل لنکرانی استعمال مواد مخدر را حرام دانسته است و معتقد است «اگر استعمال دخانیات زمینه اعتیاد را ایجاد کند حرام است و معتاد در صورت عدم ضرر باید آن را ترک کند».

ایشان توصیه می‌کنند که شخصاً به مواد مخدر حساسیت دارد، اعتقاد دارد که افرادی که گرفتار این

از دیدگاه آیت‌الله تبریزی، اعتیاد به مواد مخدر (تریاک، هروئین و امثال آن) جایز نیست و کسی که اعتیاد پیدا کرده است باید ترک کند و کاری که به قصد ترویج فساد در جامعه و فراهم کردن اسباب آن باشد و مردم را -و لو عملاً به فساد ترغیب کند- به هر یک از عنوان‌های مذکور در سؤال که باشد جایز نیست و علاوه بر آن مخالفت با مقررات که مخل به نظام باشد جایز نیست و لو شخص قصد فساد نداشته باشد (تبریزی، بی تا).

«اثرات زیان‌بار مصرف دخانیات چیزی نیست که محل تردید باشد. امروزه یافته‌های علوم پزشکی به خوبی عوارض ناسالم استعمال مواد دخانی را شناسایی کرده است. عوارضی که شامل ابتلای مصرف‌کنندگان به انواع بیماری‌ها به خصوص بیماری‌های دستگاه تنفسی می‌شود. ترکیبات مواد شیمیایی موجود در دود حاصل از مواد دخانی عامل اصلی عوارض ناسالم آن است. آزمایش‌های پزشکی نشان داده است که تمامی محدوده‌ای از بدن انسان که در معرض تماس با دود سیگار قرار دارند نظیر لب، دهان، گلو، حنجره، زبان، مری و ریه در خطر ابتلا به سرطان می‌باشند و ارتباط نزدیکی بین استعمال دخانیات و بروز سرطان لوزالمعده به اثبات رسیده است» (خالقی، ۱۳۸۸، ش ۲۶).

از نظر مقام معظم رهبری: «استعمال مواد مخدر و استفاده از آن‌ها مطلقاً حرام است؛ به خاطر ضررهای فردی و اجتماعی که بر آن‌ها مترتب است و به همین جهت خرید و فروش و نگهداری آن نیز حرام می‌باشد. مگر در مورد معالجه مرض، آن‌هم به تشخیص پزشک حاذق و مورد اعتماد که در این مورد استعمال آن به مقدار ضرورت اشکال ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷). ایشان توصیه کرده‌اند: «غرق کردن نسل

امری حرام بیان می‌کند و می‌توان گفت پیامبر اکرم (ص) این حکم را برای عموم مردم و برای اقسام ضرر؛ چه مادی و چه معنوی و چه ضرر رساندن به دیگران، ضرر رساندن به بدن و نفس بیان کرده‌اند که می‌توان چنین برداشت کرد که با نظریه امام خمینی که این قاعده را به صورت یکی از احکام حکومتی قرار داده‌اند موافق‌تر باشد.

ایجاد چنین احکامی یکی از مسائلی است که می‌تواند در پیش‌گیری از اعتیاد مؤثر باشد و زمانی که در فقه مصرف مواد مخدر حرام اعلام شود، به دلیل مضراتی که دارد، افراد بابت اعتقاداتی که دارند سعی می‌کنند از مصرف آن پرهیز کنند و همین مسئله باعث می‌شود تا از اعتیاد پیش‌گیری شود. هم فقهای امامیه هم فقهای مذاهب خمس و فقهای معاصر درباره پیش‌گیری از اعتیاد سعی کرده‌اند با حرام اعلام کردن آن افراد را از مصرف مواد مخدر دور کنند و فقه نه تنها حکم پرهیز از مصرف مواد را بیان می‌دارد، آن هم در زمانی که یک معضل اجتماعی شناخته می‌شود، در مجموعه رفتارهای انسانی نیز انسان را از رفتارهایی که موجب سقوط او از شرافت و کرامت انسانیش شود باز می‌دارد.

۵-۳. تأثیر دیدگاه فقها بر اقتصاد

فقه تمام مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه در این باب فقط فرمان می‌دهد و فرمان نیز زمانی مؤثر واقع خواهد شد که اولاً فرد و جامعه و مخاطب، معتقد به فرمان باشند و دوماً شرایط و زمینه‌های پذیرش فرمان نیز فراهم باشد. تأثیری که مسائل اجتماعی همچون اعتیاد بر فقه و آرای فقهی دارند این است که با توجه به ماهیت مسائل اجتماعی و نسبی بودن

مسئله هستند به طور کلی از انسانیت منحرف شده‌اند و نمی‌شود کلمه انسان را برای آن‌ها به کار برد. آیت‌الله نوری همدانی معتقد است از آنجا که مضرات مواد مخدر این بلای خانمان‌سوز از همه جهت روشن و واضح است، لذا حمل و نقل، خرید و فروش و تولید و توزیع آن به هر شکل که باشد مانند مصرف کردن آن حرام است و ترک اعتیاد نیز لازم است و باید مبلغان محترم و همه کسانی که با توفیق خداوند در راه ارشاد و هدایت جامعه گام بر می‌دارند مردم جامعه را از مضرات این بلای بزرگ آگاه کنند. ایشان توصیه کرده‌اند هر چیزی که برای بدن مضر باشد حرام است. این فرهنگ باید در جامعه جا بیفتد که چیزی که مضر است حرام است و مواد مخدر برای بدن مضر است.

آیت‌الله وحید خراسانی در این باره بیان می‌دارد که: «باید با جوان معتاد چون پدری با فرزند مریض معامله کنیم. به لطف، به عنایت، به نصیحت. ممکن نیست عوض نشود. و از آن مواد مخدر منعش کنیم و نگذاریم به او برسد، وسایل علاجش را فراهم کنیم. اگر چنانچه این راه‌ها طی شود سال دیگر تعداد معتادان کمتر می‌شود؛ منتها باید دست به دست هم بدهیم. این کاری است که تنها از دست یک گروه بر نمی‌آید.

بنابراین مصرف چنین موادی در حقیقت مصداق ضرر زدن به جسم و روح است که در این قاعده با توجه به نظریه فقها نفی یا نهی شده است که در هر دو صورت از انجام چنین کاری انسان را باز می‌دارد و به نظر می‌رسد یکی از دلایل حرام بودن استفاده از سیگار و دخانیات توسط فقها به همین قاعده برگردد که پیامبر اکرم (ص) در داستان سمره، ضرر زدن را

قرار دهند و موقعیت‌های موجود را بیشتر پذیرا باشند. نهادهای شدن باورهای مذهبی و انجام دادن اعمال مربوط به آن به صورت صوری می‌تواند به این افراد در خودباوری، عزت نفس و وقار کمک کند.

می‌توان در اهمیت نقش مذهب و نهادهای مذهبی چنین بیان کرد که دین به مثابه یک امانه وسیع که متشکل از برنامه دانش و مهارتی که فرد از این طریق کسب می‌کند می‌تواند مانع از گرایش او به سمت مواد مخدر باشد. دین برای هدایت بشر است و شامل عناصری از خودکنترلی نیز هست؛ زیرا راهنمایی‌ها و قواعد خاص اخلاقی به منظور کنترل نفس و امتناع از برخی رفتارها را در اختیار فرد قرار می‌دهد که باعث رفتارهای آسیب‌زا باشد. معنویات در قالب یک مهارت مقابله‌ای از اثرات مختلف فشار روانی بر زندگی افراد محافظت می‌کند. باورهای معنوی مذهبی اعتماد به نفس افراد را افزایش می‌دهد و با فراهم کردن یک دیدگاه اسنادی سازنده به افراد در یافتن معنا و هدف در زندگی کمک می‌کند. بنا شدن این نظام معنایی می‌تواند مانع از خطرپذیری و رفتار هیجان‌طلبانه همانند مصرف مواد مخدر توسط فرد شود.

با توجه به آنچه گفته شد مذهب می‌تواند به مثابه عامل کلیدی در راستای کاهش مصرف مواد در جامعه تلقی شود. با توجه به اینکه اعتیاد مسئله‌ای اجتماعی است که افراد نسبتاً زیادی را درگیر خود می‌کند و به نوعی عمومیت یافته است، زمامداران و اندیشمندان بر ضرورت رسیدگی به آن تأکید دارند. از آنجا که چنین پدیده‌ای دارای ریشه اجتماعی است، راه حل آن نیز باید با در اجتماع جست‌وجو شود. بررسی آرای فقهی درباره این مسئله نشانگر این است که فقهای اسلامی زمانی درباره اعتیاد

آن‌ها، حکم فقهی مربوط به آن‌ها نیز نسبی خواهد بود و امکان تغییر حکم به دلیل تبدیل یا تجدید موضوع، گزینشی بودن معرفت انسانی و اوضاع سیاسی، اجتماعی، محیطی موجود پیش خواهد آمد. اینکه خداوند انسان را آزاد آفریده است و او را مسئول رفتار خودش قرار داده است و یا احساس اطمینان و آرامش از طریق نیایش، بر واکنش فرد متدین در مقابله با فشار روانی تأثیر می‌گذارد. دین از عوامل مهم و تأثیرگذار در سلامت روان است. دین چهره جهان را در نظر فرد دین‌دار گوناگون می‌کند و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد.

فرد دین‌دار خود را زیر حمایت و لطف همه جانبه خداوند، بزرگ‌ترین نیروی موجود می‌بیند و بدین ترتیب احساس اطمینان و آرامش و لذت معنوی عمیقی به وی دست می‌دهد او اطمینان دارد که این حوادث و رویدادها گذرا هستند و او پاداش صبر خود را خواهد گرفت. فرد دین‌دار با هم‌نوعان و اطرافیان خود رابطه خوب و مبتنی بر احترام دارد. عقاید و باورهای مذهبی و معنوی در نقش عوامل حمایتی یا حائلی هستند که از طریق دادن امید، قدرت، و معنابخشی به زندگی، فشار روانی زندگی را کم می‌کنند و کیفیت زندگی را به‌ویژه در افراد معتاد بهبود می‌بخشند و حتی مانع گرایش به اعتیاد می‌شوند. با توجه به وجود رابطه مثبت بین مذهبی بودن و کیفیت زندگی، تقویت نگرش مذهبی در معتادان، ترغیب و توجیه آن‌ها به انجام دادن اعمال مرتب به آن می‌تواند کیفیت زندگی را در معتادان افزایش دهد.

تقویت باورهای مذهبی در افراد معتاد موجب می‌شود که آن‌ها مشکل خود را در متن گسترده‌تری

استفاده از مواد در اختیار فرد قرار می‌دهند و به تسهیل تجربه معنوی کمک می‌کنند. تجربه معنوی می‌تواند تعهدات اخلاقی را تحکیم بخشد که این نیز به نوبه خود مانع از مصرف مواد مخدر می‌شود و فرضیه مبنی بر رابطه معنادار حرمت مواد مخدر با کاهش هزینه‌های خانواده و جامعه را اثبات می‌کند. با استناد به دستوره‌های مذهبی می‌توان قوانینی وضع کرد که مصرف مواد مخدر را ممنوع اعلام کند. باید توجه داشت که افراد در زندگی خود بر پایه باورهای شخصی و دیدگاهی که درباره دیگران، خود، جهان و یا هر دو دارند، رفتار می‌کنند. این باورها و دیدگاه‌ها برای فرد یک نظام معنایی ایجاد می‌کند. این نظام معنایی به فرد اجازه می‌دهد که به جهان اطراف خود معنا دهد و بر اساس این معنادهی، انتخاب هدف و سپس عمل و رفتار مبتنی بر اهداف انتخاب‌شده را بررسی کند. مذهب می‌تواند منبع عظیم و بی‌نظیری برای سیستم معنادهی فرد باشد. مؤلفه‌های سیستم معنادهی که متأثر از مذهب هستند شامل باورها، وابستگی‌ها، انتظارات و اهداف در قالب نقطه مرکزی هیجان‌ها و اعمال فرد عمل می‌کنند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که چنانچه فرد دارای سطح دین‌داری بیشتری باشد به دنبال آن معنایی که به خود و جهان اطرافش می‌دهد توأم با احساس ارزشمندی و هدفمندی است. در نتیجه احتمال کمتری وجود دارد که به اقداماتی نظیر مصرف مواد دست زند که به احساس ارزشمند بودنش آسیب برساند و یا آنکه مانع از رسیدن به اهدافش شود.

به نظر می‌رسد که مذهب به واسطه نقش مقابله‌ای در برابر فشارهای روانی بتواند از وابستگی و یا سوء مصرف مواد پیش‌گیری کند؛ زیرا باورهای شناختی افراد متدین نظیر اعتقاد به اینکه خداوند

سخن گفته‌اند و اظهار نظر کرده‌اند که هر یک از انواع مواد در قالب مسئله اجتماعی مطرح بودند و جامعه نیز آگاهی‌های لازم را از آن پیدا کرده بود. در برهه‌ای از زمان، فقهای شیعه و اهل سنت هیچ یک درباره مواد مخدر حکمی ارائه نداده بودند؛ زیرا مواد مخدر از سوی جامعه دوا شناخته می‌شد؛ اما پس از ایجاد ضرورت‌های اجتماعی در هر دوره فقها درباره مسائلی که پیش می‌آمد احکامی را ارائه می‌کردند. هر یک از فقهای اسلامی درباره اعتیاد و پیش‌گیری از آن نظراتی دارند که در این پژوهش ارائه شد. مسئله مهمی که می‌توان اذعان داشت این بود که اغلب فقها مصرف مواد مخدر را در صورتی که مضراتی به همراه داشته باشد حرام اعلام کرده‌اند و معتقدند که عقل انسان را ذایل می‌کند. فقه تا حدودی می‌تواند بر مسائل و معضلات اجتماعی همچون اعتیاد اثرگذار باشد و حکم خود را اعلام کند و راه‌کارهایی مذهبی ارائه دهد تا از طریق اعتقادات مذهبی و تقویت معنویات از گرایش افراد به سمت مواد مخدر پیش‌گیری کند؛ زیرا فقها نیز معتقدند همواره پیش‌گیری بهتر از درمان است. درمان چنین معضلاتی هزینه‌های اجتماعی و خانوادگی زیادی را می‌طلبد و مثل یک بیماری جامعه را فلج می‌کند. بر این اساس، با مراجعه به احکام فقهای مذهب امامیه و فقهای اهل تسنن می‌توان به این نکته رسید که تمامی مذاهب مختلف در پی این بودند که با مذموم شمردن مصرف مواد مخدر و حرام اعلام کردن آن سعی کنند تا از اعتیاد پیش‌گیری کنند. مذهب و نهادهای مذهبی می‌توانند مصرف مواد و بهبودی از آن را از طریق برقراری یک نظام اخلاقی تحت تأثیر قرار دهند. نهادهای مذهبی راهنمایی‌ها یا قواعد خاص اخلاقی به منظور کنترل خویشتن از قبیل منع

تدابیری برای کاهش عرضه و تقاضای مواد مخدر حاوی درس‌ها و دلالت‌هایی است که می‌تواند به دفع عوامل این مسئله و رفع آثار و پیامدهای آن کمک شایانی بکند. به‌ویژه در کشور ما که فرهنگ دینی در لایه‌های عمیق حیات اجتماعی ما جا گرفته است و بخش جدایی‌ناپذیر هویت جمعی ما را شکل داده است. مذهب و نهادهای مذهبی می‌توانند مصرف مواد و بهبودی از آن را از طریق برقراری یک نظام اخلاقی تحت تأثیر قرار دهند. نهادهای مذهبی، راهنمایی‌ها یا قواعد خاص اخلاقی به‌منظور کنترل خود از جمله منع استفاده از مواد، در اختیار فرد قرار می‌دهند و به تسهیل تجربه معنوی کمک می‌کنند. تجربه معنوی می‌تواند تعهدات اخلاقی را تحکیم، بخشد که این نیز به نوبه خود مانع از مصرف مواد مخدر می‌شود. فرضیه مبنی بر حرمت مواد مخدر رابطه معناداری با کاهش هزینه‌های خانواده و جامعه دارد.

۷. تقدیر و تشکر

از همه عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری کردند تقدیر و تشکر می‌کنیم.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

در سختی‌ها به انسان کمک می‌کند، اعتقاد به حکم فقها مبنی بر حرمت مواد مخدر و به طریق عقلی هرچه مقدمه اعتیاد باشد اعم از برنامه‌ریزی، کشت، داشت، برداشت، حمل‌ونقل و فروش مواد مخدر وقتی حرام است که مکلفان عامل به آن باشند، عملاً خسارت‌های جانی و مالی فراوان در این حوزه منفی خواهد شد. امروزه خانواده‌های زیادی بخش عظیمی از درآمد خود را صرف اعتیاد می‌کنند که با عمل به فتوای فقها تعادل در زندگی برقرار می‌شود و از نظر اقتصادی کاهش هزینه‌ها در خانواده و جامعه را به دنبال دارد.

۶. نتیجه‌گیری

معضل اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است که گریبان‌گیر کشور ماست و پیامدهای سوء آن آسیب‌های شدیدی را متوجه سرمایه انسانی کشور به‌ویژه نسل جوان کرده است. امروزه در رشته‌های مختلف علوم انسانی متعارف در هر دو شاخه علوم اجتماعی و علوم رفتاری و نیز در دانش پزشکی، تلاش‌های بسیاری برای مواجهه با مسئله اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر صورت گرفته است، اما برخلاف همه این تلاش‌ها این معضل در سطح جهان و در کشور ما، همچنان رو به افزایش است و افراد بسیاری را قربانی و خانواده‌های متعددی را درگیر آثار سوء و مشکلات فراوان کرده است. پیشنهاد این مقاله بهره‌برداری از ظرفیت‌های آموزه‌های دینی برای مقابله ریشه‌ای با اعتیاد است. آموزه‌های اسلامی هم در ساحت نظری در توصیف و تبیین اعتیاد به‌مثابه یک سوءرفتار که ریشه در ضعف‌ها و خلأهایی در لایه‌های عمیق‌تر وجود انسانی دارد و هم در ساحت عملی در تجویز

منابع

- برفی محمد، «جامعه‌شناسی ابعاد فقهی، اجتماعی اعتیاد»، فصلنامه علمی-پژوهشی اعتیادپژوهی، ۱۳۸۲.
- تبریزی، جوادبن علی، استفتاءات جدید، قم، بی تا.
- ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸.
- حر عاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، جلد ۲۱ و ۲۲، نشر مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۲.
- خالقی، ابوالفتح، «مصرف دخانیات و ابعاد حقوقی مقابله با آن»، پژوهش حقوق و سیاست، سال یازدهم، شماره بیست‌وششم، ۱۳۸۸.
- خامنه‌ای. سیدعلی، اجوبه‌الاستفتاءات، چاپ دوم، بیروت، دارالوسیله، ۱۳۸۷.
- روح‌اللهی، روح‌الله، «مواد مخدر و دخانیات از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی»، فصلنامه فروغ وحدت، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۸۵.
- شیخ الاسلامی، رضا، «تجارت دخانیات در فقه»، پژوهش‌نامه فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره نهم، ۱۳۹۰.
- فلاحتی، حمید، «نقش باورهای دینی در پیش‌گیری از اعتیاد» شماره چهارم، ۱۳۹۷.
- مطهری، مرتضی، فقه و حقوق، مجموعه آثار چاپ اول، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، دائره المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام، جلد اول، ۱۴۲۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، ۱۳۸۴.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶.